



## عدالت اجتماعی

### در بُعد اقتصادی

بحث دارد مشخص کردن موارد عدل و ظلم است که تعیین گردد که در هر مورد عدل چیست و ظلم کدام است در اینجا است که موضع مکاتب مختلف اجتماعی مشخص می‌گردد و مقصود هر یک از آنها از عدالت و قسط معلوم می‌شود. اسلام نیز که اجرای عدالت بطور کلی و عدالت اجتماعی به طور خاص را هدف خویش قرار داده است، بی‌شک خود را در مورد عدالت بصورتی روشن بیان کرده و راههای

.....

۱- سوره نحل آیه ۹۰.

۲- سوره اعراف آیه ۲۹.

خداوند در آیات متعددی از قرآن به طور صریح امر به عدل و قسط فرموده است، می‌فرماید:

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ

و...<sup>۱</sup>

به تأکید، خداوند امر به عدل و احسان و... می‌کند.

نیز می‌فرماید:

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ<sup>۲</sup>

بگو پروردگارم فرمان به قسط داده

است.

لزوم رعایت عدالت در همه

موارد، امری روشن است آنچه نیاز به

تحقق آن را نیز نشان داده است.

عدالت اجتماعی در بُعد اقتصادی از نظر اسلام با تعدیل ثروت اغنیاء و تأمین زندگی متوسط اجتماعی برای همه افراد جامعه تحقق می‌یابد، در این بحث به اثبات این مطلب و راههای تحقق آن می‌پردازیم.

پیش از ورود به اصل بحث لازم است ریشه تفاوت افراد و جوامع در برخورداری از ثروت و نعمتهای الهی مشخص گردد تا ببینیم موضع اسلام در برابر این تفاوتها چیست؟

### ریشه تفاوتهای اقتصادی

تفاوتهای اجتماعی که در بهره‌مندی از امکانات زندگی میان افراد و جوامع وجود دارد بطور عمده به یکی از دو موضوع برمی‌گردد:

۱ - تفاوتهای اختیاری ۲ - تفاوتهای طبیعی

### □ تفاوتهای اختیاری

بخشی از فاصله‌های درآمدی میان افراد، اختیاری است و معلول ستم و استثمار دیگران یا ناشی از عوامل طبیعی نیست، بلکه به انتخاب و روش خود افراد و جوامع باز می‌گردد مانند:

الف - تفاوت ناشی از سستی و تنبلی عده‌ای در برابر کوشش و نشاط

### اقتصادی گروهی دیگر.

ب - تفاوت ناشی از جهان بینی حاکم بر فرد و جامعه‌ای با فرد و جامعه دیگر، زیرا ممکن است ایدئولوژی خاصی عده‌ای را به استفاده کمتر از امکانات این جهان، دوری از لذت‌مادی و کم‌کاری متمایل کند، طبعاً این جامعه نیز فقیر خواهد ماند، ولی در مقابل، افراد و جوامعی که ایدئولوژی دیگری دارند و از تحرک عقیدتی برخوردارند، دارای جامعه‌ای ثروتمند خواهند بود.

ج - تفاوت ناشی از مدیریت و سازماندهی اقتصادی. اگر فرد یا جمعیتی در کارهای اقتصادی، تدبیر، دوراندیشی و برنامه‌ریزی لازم را نداشته باشند کارآئی و بازده اقتصادی آنان تفاوت بسیاری با افراد و جوامعی که از مدیریت و برنامه‌ریزی اقتصادی مناسبی برخوردارند، خواهد داشت.

د - تفاوت ناشی از مصرف‌گرایی و میانه‌روی. افراد و جوامعی که بدون تناسب با امکانات و سطح تولید خود، مصرف را افزایش می‌دهند و بیش از پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، مصرف می‌کنند بطور طبیعی دارای سطح درآمد و ثروت متفاوتی خواهند بود با افراد و جوامعی که تناسب معقول بین سرمایه‌گذاری و مصرف را مراعات

می‌کنند.

هـ - تفاوت درآمدهای ناشی از عملکرد سیستم‌های اقتصادی. گاهی اختلاف درآمدها ناشی از عملکرد برخی سیستم‌های اقتصادی است، مانند سرمایه‌داری که زمینه تمرکز ثروت و سرمایه را در دست عده‌ای محدود فراهم می‌کند و در مقابل، جمع بسیاری در محرومیت قرار می‌گیرند، زیرا آزادی اقتصادی به گونه‌ای مطرح است که قوی، قوی‌تر و ضعیف، ضعیف‌تر می‌گردد.

#### □ تفاوت‌های طبیعی

برخی تفاوت درآمدها در میان انسانها طبیعی است، زیرا علل و ریشه‌های آنها به تفاوت طبیعی توانمندیهای آنان باز می‌گردد.

چون افراد نوع بشر در صفات و ویژگی‌های روحی، فکری و بدنی باهم تفاوت دارند انسانها در صبر و شجاعت، در قدرت اراده و تصمیم‌گیری، در آرزوها و آرمانها، در ذوق‌ها و سلیقه‌ها، در قدرت حافظه و فراگیری، در تیزهوشی و سرعت انتقال، در توان ابداع، ابتکار و اختراع، در نیروی عضلات و مقاومت بدن، در آرامش اعصاب و سایر چیزهایی که از مقومات شخصیت انسانی به شمار

می‌روند با هم متفاوتند و این مواهب در افراد به تفاوت قرار داده شده است.

این تفاوتها در اصل ناشی از حوادث عارضی در تاریخ زندگی بشر نیست و نمی‌توان ادعا کرد که ریشه همه این تفاوتها در تبعیضات اجتماعی نهفته است و اگر تبعیضها نمی‌بود همه انسانها در صفات و ویژگی‌های شخصیت، مشابه و همانند هم بودند زیرا به روشنی مشاهده می‌کنیم گاهی حتی افرادی که در شرایط مساوی از نظر امکانات و برخورداری از حقوق بوده‌اند، در این موارد تفاوت‌های بسیاری با هم داشته‌اند، کم نیستند برادران و خواهرانی که از یک پدر و مادر به دنیا آمده و در یک محیط زندگی کرده و از شرایط و امکانات پرورشی و تربیتی مشابهی برخوردار بوده‌اند، ولی در استعدادها، ذوقها، قدرت جسمی و روحی و... با هم تفاوت داشته‌اند، حتی کم نیستند دوقلوهایی که در شرایط مساوی تغذیه و رشد و... قرار داشته‌اند ولی از تواناییهای متفاوت برخوردار شده‌اند، در واقع اصل تفاوت‌های مزبور، ناشی از عوامل فراوانی است که بسیاری از آنها در کنترل بشر نیست.

با توجه به اینکه هرکس مالک حاصل کار خویش یا هر عامل دیگری



از عوامل تولید متعلق به خود می باشد —  
در چارچوب سیستم های مختلف —  
تفاوت های طبیعی، منتهی به تفاوت در  
آمدها خواهد گردید.

البته نمی توان انکار کرد که  
گاهی این تفاوتها یا شدت تفاوتها،  
ناشی از عوامل اجتماعی است که در  
اختیار و کنترل انسانها می باشند، نظیر  
تفاوت در فقر و ثروت خانواده، در  
وجود و عدم امکانات تحصیلی و  
برخورداری از فرصتها، زمینه ها و شرایط  
اجتماعی که در استعدادها، ذوقها و  
سلیقه های افراد پرورش یافته، در این  
شرایط مؤثر واقع می شوند ولی نه این  
عوامل بطور قاطع در تفاوتها مؤثرند زیرا  
با وجود همه این عوامل اجتماعی،  
گاهی افراد محروم، استعدادها و  
قابلیتهای فوق العاده ای را از خود بروز  
داده اند و برعکس افراد برخوردار به  
دلیل اینکه زیر فشار محرومیتها قرار  
نداشته اند استعدادهایشان نهفته مانده  
است و نه این عوامل، تنها عوامل مؤثر در  
تفاوتها می باشند، اصل وجود تفاوتها در  
مقومات شخصیت انسانها طبیعی و  
گریز ناپذیر است ولی باید اعتراف  
کرد که همه تفاوتها در اثر عوامل  
طبیعی نیست.<sup>۳</sup>

ریشه های تفاوت درآمد که  
ذکر شد، جنبه اقتصادی دارد، ممکن

است تفاوت درآمدها ریشه غیر  
اقتصادی نیز داشته باشد، مانند حوادث  
طبیعی و یا جنگها که در اینجا به اینگونه  
ریشه ها نمی پردازیم.

بنابر این، وجود اصل تفاوت  
میان افراد، واقعیتی است مسلم و نتیجه  
یک چارچوب اجتماعی مشخصی  
نیست و یک دیدگاه واقع بینانه

.....

۳ — مارکسیستها می پندارند که علت اصلی  
اینگونه تفاوتها، شرایط اجتماعی و اقتصادی  
افراد جامعه است، ترکیب طبقاتی جامعه ها  
باعث شده که استعداد افراد طبقه برخوردار از  
امکانات، بروز کند و آنان بتوانند تواناییهای  
لازم را در خویش پرورش دهند و در مقابل،  
افراد طبقه محروم و زیر سلطه به دلیل نداشتن  
فرصتها و امکانات لازم، استعدادهایشان بروز  
نکرده و باعث پیدایش تفاوتها در میان آنان و  
طبقات مرفه جامعه شده است.

باید گفت: این سخن تا حدی درست  
است، اما نمی تواند تفسیر کاملی برای همه  
تفاوتها باشد زیرا قرار داشتن یک نفر در طبقه  
مرفه و قرار گرفتن فرد دیگر در طبقه محروم،  
بدون تفسیر باقی می ماند، زیرا این سؤال مطرح  
می شود که چه شد یکی از رفاه برخوردار شد تا  
امکانات لازم برای رشد استعدادهای خود  
و خانواده اش را داشته باشد و دیگری از این رفاه  
برخوردار نشد، چرا نقش آنان جابجا نشد و  
بجای این یکی چرا آن دیگری جزء محرومان  
قرار نگرفت، خلاصه تفاوتهای عارضی، ناشی  
از تفاوتهای اصلی است، علل اصلی بروز  
تفاوتها با تفسیر مارکسیسم قابل توجه نیست.

نمی‌تواند وجود تفاوتها را انکار کند و یک نظام اجتماعی نمی‌تواند این تفاوت‌ها را نادیده بگیرد.

در روایتی از امیرمؤمنان (علیه السلام) نیز به این تفاوتها اشاره شده است آنجا که می‌فرماید:

لِحَالْفِ بِحِكْمَتِهِ بَيْنَ هَمَمِهِمْ  
وَأَزَادَتِهِمْ وَسَائِرِ حَالَاتِهِمْ وَجَعَلَ ذَلِكَ  
قَوَاماً لِمَعَايِشِ الْخَلْقِ...<sup>۴</sup>

خداوند به حکمت خود بین همت‌ها وخواسته‌های مردم و سایر حالاتشان تفاوت ایجاد کرد و این اختلاف‌ها را وسیله برپایی زندگی مردم قرار داد.

در این روایت به این نکته اشاره شده که این تفاوتها وسیله قوام جامعه است، زیرا اگر همه افراد یک جامعه از توان بدنی و فکری و ذوق و سلیقه مشابه برخوردار باشند همه درصدد انجام کارهای مشابه بر می‌آیند، در نتیجه کارهای دیگر انجام نمی‌گیرد و نظام جامعه از هم می‌پاشد، با اختلاف سلیقه‌ها و تفاوت‌های بدنی و روحی است که هرکاری برای عده‌ای جاذبه دارد و به آن می‌پردازند و در نتیجه چرخ جامعه به گردش در می‌آید و کاری زمین نمی‌ماند.

برخورد مکاتب مختلف با تفاوت در آمده

در مورد تفاوتها، دیدگاهها و نقطه نظرهای مختلفی وجود دارد که با توجه به حاکمیت برخی از آنها در جوامع کنونی دنیا، مناسب است. طرح و بررسی شوند. بدین منظور ابتداء به دیدگاه مکتبهای سرمایه‌داری و سوسیالیسم و کمونیسم می‌پردازیم سپس به تفصیل، نقطه نظر اسلام را ارائه می‌دهیم.

### لیبرالیستها

طرفداران مکتب سرمایه‌داری بر آنند که این تفاوتها بتدریج کاسته شده و بر اثر برقراری تعادلهای اقتصادی بر طبق مکانیسمهای ارائه شده، یک نوع نظم اقتصادی طبیعی حاکم خواهد شد که به خودی خود مشکل تفاوتها حل می‌شود یا از شدت آن کاسته می‌گردد.

این دیدگاه به رؤیا شبیه‌تر است تا واقعیت و مبتنی بر برداشتی غیرصحیح از قلمرو فعالیت‌های انسانها در جامعه و قیاس آن به قلمرو علوم طبیعی است. بهترین شاهد بطلان این نظریه واقعیت‌های عینی جوامع سرمایه‌داری است با اینکه اگر دخالت

.....  
۴ - وسائل الشیعة ج ۱۳ ص ۲۲۴ کتاب  
الاجارة باب ۲ ح ۳.

کاری که انجام داده است.

این دیدگاه نیز ناصواب است زیرا:  
اولاً: برخلاف واقع است، چون نمی‌توان ریشه همه تفاوت در آمدها را در روابط اقتصادی و اجتماعی جستجو کرد و اختلاف استعدادها و موقعیتهای فراهم شده برای افراد رانادیده گرفت.

\*\*\*\*\*

**خط کلی نظام اسلامی در برابر تفاوتها، خط کنترل، ارشاد و هدایت این تفاوتها به سمت شکوفائی سالم و عادلانه اقتصادی است**

\*\*\*\*\*

ثانیاً: چنانچه فرض مذکور درست باشد راه علاج آن در الغاء مالکیت خصوصی ابزار تولید نیست زیرا علاوه بر ضایعات خطرناکی که بسیاری از جوامع بشری از این تفکر متحمل می‌شوند، بتدریج استعدادها و موهبتهای ذاتی و فطری آنان سرکوب شده یا بصورت انحرافی، از آنها بهره گرفته می‌شود. این راه حل هرگز نمی‌تواند مانع بروز اصل تفاوت درآمدها شود، زیرا تنها با تغییر شکل

مستقیم دولتهای سرمایه‌داری در اقتصاد و حمایتهای آنان از برخی تأمینهای اجتماعی نمی‌بود، بدون شک بروز اختلافات طبقاتی و شکافها و فاصله‌های عظیم درآمدها و ثروتها، این جوامع را دچار بحرانها و مشکلات فراوان اجتماعی و سیاسی می‌نمود.

احساس ضرورت دخالت دولت در اقتصاد و ضرورت برقراری برخی از تأمینهای اجتماعی، خود دلیل نادرست بودن این گونه تفکر است که آزادیهای اقتصادی بخودی خود ایجاد تعادل نمی‌کند.

### سوسیالیستها و کمونیستها

طرفداران سوسیالیسم معتقدند که تفاوت‌های مورد نظر بطور عمده از سیستم سرمایه‌داری و مالکیت خصوصی ابزار تولید سرچشمه گرفته است و برای از میان بردن این فاصله‌ها می‌باید مالکیت خصوصی عوامل و ابزار تولید لغو شود تا زمینه هرگونه استثمار و ربودن ارزشهای اضافی بوسیله کارفرمایان از طبقه کارگر از بین برود.

کمونیستها معتقدند که هرگونه تفاوت در آمد باید از بین برود و تساوی کامل برقرار گردد و هرکس به اندازه نیاز خود برخوردار شود نه به مقدار



قانون روابط اقتصادی و حقوقی نمی‌توان از انگیزه‌های فزون‌طلبی و آثار حاصل از تفاوت‌های ذاتی افراد و ویژه در جامعه جلوگیری کرد. به همین جهت در جوامع سوسیالیستی دوباره تفاوت‌های طبقاتی به گونه‌ای دیگر و در قالب شکل دیگری بروز کرده و جامعه را به دو قطب قوی و ضعیف - از نظر اقتصادی و سیاسی - تقسیم کرده است.

ثالثاً: با توجه به تز سوسیالیسم - از هرکس به قدر توانش و به هرکس به اندازه کارش - و با وجود تفاوت

توانها و استعدادها و نیز تفاوت موقعیتهای اجتماعی، سیاسی و حزبی افراد در جوامع سوسیالیستی، برخلاف پیش‌بینی مارکس، حاصل درآمد افراد در این جوامع نیز متفاوت خواهد بود و این تفاوت درآمدها همواره استمرار و افزایش خواهد یافت.<sup>۵</sup>

رابعاً: نظریه کمونیسم که برقراری تساوی کامل است، موجب استثمار می‌شود، زیرا همانگونه که اگر کارگری یک ساعت کار کند و دیگری حاصل کار او را بر باید، ظلم است، در صورتی که همان کارگر در همان مدت

۵ - برابر آمار منتشر شده از طرف دولت سوسیالیستی شوروی تفاوت حداقل دستمزد سالیانه\* در این کشور به شرح زیر است: \*\*

۱	حداقل قانونی برای کارگران مناطق روستایی	۳۶۰ دلار
۲	حداقل قانونی برای کارگران مناطق شهری	۴۰۰ دلار
۳	ماشین نویس اداری	۵۸۸ دلار
۴	پزشک	۱۲۶۰ دلار
۵	مدیر مزرعه دولتی	۳۵۲۰ دلار
۶	رئیس اداره	۵۷۲۰ دلار
۷	مدیر کارخانه	۶۲۶۰ دلار
۸	وزیر کابینه دولت ایالتی	۹۱۲۵ دلار

۵ این ارقام برحسب دلار آمریکا و قبل از کسر مالیات است. همچنین این ارقام شامل پادشاهیایی که به مدیران و مسئولان حزبی و اداری پرداخت می‌شود نیست.

• • • • •  
→  
• • • • •  
ماخذ:

Zarabotmaya Peatev Period  
Perekhoda K.Kumminizmu  
Moscow 1983 P.P141- 4

چنانکه ملاحظه می‌شود، اختلاف درآمد در روسیه سوسیالیستی به روشنی وجود دارد و به هیچ وجه از بین نخواهد رفت، بعلاوه برخلاف نظریه و ادعای مارکس و لنین که معتقد بودند ارزش، تنها بر مبنای کار تولیدی در واحدهای صنعتی سنجیده می‌شود، و اختلاف درآمدها از بین خواهد رفت، نه تنها ارزشهای تولید شده بر این مبنی سنجیده نمی‌شود بلکه روز بروز بر اختلاف درآمدها نیز افزوده شده و جامعه طبقاتی بوجود آمده است، یک وزیر ایالتی که برای تشریح مارکس کارش تولیدی نیست بیش از بیست و پنج برابر یک کارگر دستمزد دریافت می‌دارد.

بخاطر توانائی و کارائی بیشتر بتواند دو برابر دیگران محصول ارائه دهد، محروم کردن او از اضافه ارزشی که ایجاد کرده حق کشی و استثمار ظالمانه است.

خامساً: قطع رابطه بین کار و درآمد، تنزل دادن انسان به رتبه حیوان بارکش و یا پیچ و مهره کارخانه می باشد و این تحقیر انسان است.

### سیاست اقتصادی اسلام در برابر تفاوتها

با توجه به اینکه از طرفی چشم پوشی از فاصله های فاحش درآمد و ثروت با این استدلال که تفاوت های درآمدی، آن را پدید آورده و نباید در برابر آن موضعگیری نمود، نادرست می باشد و در عین حال این تفاوتها خود بخود بتدریج از بین نخواهد رفت. و از طرف دیگر سلب مالکیت افراد از حاصل کارشان موجب سرکوب استعدادها و از بین رفتن کارائی های آنان بوده و ظلم است، نتیجه می گیریم که می بایستی در حالی که افراد، مالک محصول کار خود بحساب می آیند و رابطه آنها با بازده کارشان حفظ می گردد باید سیاستهایی در تولید، توزیع و مصرف در پیش گرفته شود که از طرفی فقر بطور کلی از بین برود و همه از زندگی

آبرومندانه ای برخوردار شوند، چه کسانی که هیچ توان کار ندارند و چه افرادی که دارای توان و کارائی نسبتاً کمتری هستند.

از طرف دیگر امکان پیدایش مالکیت های بزرگ اراضی، صنایع و معادن و... برای افراد معدود از بین برود و ثروت در دست عده ای اندک تمرکز نیابد و بالاخره در یک برنامه ریزی اصولی از فاصله ها کاسته شده و سطح درآمد و ثروت افراد - در عین وجود تفاوتها - به یکدیگر نزدیک شود.

بنابر این می توان گفت خط کلی نظام اسلامی در برابر تفاوتها، خط کنترل، ارشاد و هدایت این تفاوتها به سمت شکوفائی سالم و عادلانه اقتصادی است. در این زمینه به دو محور مهم آن اشاره می کنیم:

۱ - استفاده از سیاستها و ابزارهای حقوقی جهت تعدیل ثروت (توازن اجتماعی) و برقراری تأمین اجتماعی لازم به گونه ای ثابت و یا متغیر و پویا در نظام اقتصاد اسلامی منظور شده است که در همین بحث به تفصیل خواهد آمد.

۲ - استفاده از سیاستهای فرهنگی و تربیتی که بر اساس بینشهای عمیق و ارزشهای اصیل اسلامی



پایه گذاری می شود و کلیه نظامهای اجتماعی، حقوقی و سیاسی مکتب اسلام را شکل می دهد، بر اثر این سیاستها در آیات و روایات زیادی این بینش به مسلمانان داده می شود که همواره ثروتها از طرف خداوند متعال بوده و او مالک و رازق همه کائنات است و او همچنانکه این نعمتها را به افراد می دهد می تواند از آنها سلب کند.

با تربیت افراد بر این بینش از طرفی به ثروتمندان هشدار داده شده که به مال و منال خود مغرور نشوند و فراموش نکنند که سرچشمه این نعمتها خداوند است، بنابراین بایستی به وظائفی که برای آنان مقرر نموده است بخوبی عمل کنند و تصور نکنند که اموال، حق اصیل آنان و مخصوص خودشان است و از طرف دیگر سایرین را بر آن می دارد که ثروت را از خداوند که مالک اصلی اموال است، درخواست کنند و مقدمات رسیدن به آن را با بکار بستن دستورات شرعی و اسلامی فراهم سازند و در این رابطه بکوشند، نه اینکه چشم به مال دیگران دوخته، بذر کینه و دشمنی و تضادهای اجتماعی را در جامعه ایجاد کنند. ذیلاً به دو نمونه از آیات اشاره می کنیم:

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا

وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بَكِيْلًا شَیْءٍ عَلِيْمًا.<sup>۶</sup>

از آنچه خداوند به وسیله آن برخی شما را بر برخی برتری داده است آرزو نکنید، برای مردان از آنچه به دست آورده اند سهمی و برای زنان از آنچه کسب کرده اند سهمی است و شما باید از فضل الهی طلب کنید، همانا خداوند به هر چیزی داناست.

نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا<sup>۷</sup>

ما روزی آنان را در زندگی میانشان تقسیم کردیم و برخی را بر برخی به درجاتی برتری دادیم تا یکدیگر را استخدام کنند.

بدین ترتیب اسلام زمینه های فرهنگی و اعتقادی تعدیل ثروت و جلوگیری از بروز تضادهای فاحش طبقاتی را به گونه ای پایه گذاری می نماید که در عین حال که پیاده شدن رونماهای اقتصادی و حقوقی، این هدف مهم اقتصادی را آسان می کند، از بروز خطر از هم پاشیدگی روابط انسانی و اجتماعی و جایگزینی اندیشه ها و خصصتهای ضد انسانی،

.....

۶ - سورة نساء / ۳۲.

۷ - سورة زخرف / ۳۲.

دشمن گرایی و رقابتهای ناسالم و مخرب جلوگیری می‌نماید.<sup>۸</sup>

البته این به معنای نادیده گرفتن و یا تسلیم شدن در برابر روابط غیر عادلانه اقتصادی نیست، بلکه در جهت شکل‌گیری هر چه بهتر و آسان‌تر سیاستها و ابزارهای اقتصادی و حقوقی تعدیل ثروت و یا تأمینهای اجتماعی می‌باشد مخصوصاً با در نظر گرفتن اینکه این سیاستها تنها از راه مالیاتهای دولتی انجام نمی‌گیرد، بلکه بخش عظیمی از تأمین اجتماعی در اسلام به وسیله خود مردم، داوطلبانه انجام می‌گیرد و این خود از ویژگیهای اقتصاد اسلامی است که همواره اهداف و سیاستهای اقتصادی را با مسائل اخلاقی و اعتقادی در هم آمیخته، انسان را همانگونه که در واقعیت، معجون و ترکیبی از جسم و روح و انگیزه‌های مادی و معنوی است، می‌انگارد و او را همچون یک حیوان متمدن و یا انسان ماشینی تصور نمی‌کند.

بنابر این اسلام برای از بین بردن فاصله‌های فاحش ثروت و در آمد با دو کار همزمان، اقدام به برقراری عدالت اقتصادی می‌نماید:

۱ - از طرفی با تحدید و کنترل ثروت اغنیاء تعدیل ثروت را برقرار

می‌نماید.

۲ - از طرف دیگر با ایجاد تأمین اجتماعی، سطح متوسطی از زندگی را برای نیازمندان فراهم می‌آورد.

اینک به اثبات ضرورت این دو مطلب و بیان راههای اجرای آنها می‌پردازیم.

ادامه دارد



۸ - در اثر وجود این خصلتها امروزه جوامع بشری، به رغم تمدن چشمگیر، همچون حیوانات درنده به جان یکدیگر افتاده‌اند و از همه امکانات بدست آمده و تکنولوژی پیشرفته در راه رقابتها و در نتیجه، افزایش دشمنی‌ها و نابودی یکدیگر استفاده می‌کنند.

در مکتب اسلام انسان و خصلتهای انسانی او، اصل و اساس قرار گرفته، همواره سعی بر آن است که افراد جامعه قبل از هر چیز انسانیت خود را حفظ کنند و سپس سایر شرایط زندگی مادی و اجتماعی را، و این امر تنها در سایه ارزشها و فرهنگ و تربیتهای اسلامی محقق می‌گردد.